

بررسی ریشه های نگرشی - سیاسی شکل گیری جنبش انصارالله یمن بر مبنای نظریه سازه انگاری

لیلی کریمی فرد (نویسنده مسئول)^۱

محمدحسین جمشیدی^۲

چکیده

یکی از جنبش های مهم سیاسی - اجتماعی معاصر، جنبش اسلامی انصارالله یمن است که در طول تاریخ خود، منشا تحولات چشم گیری در حوزه سرزمینی خود، منطقه و عرصه بین الملل بوده و توانسته است در عرصه داخلی و بین المللی با کسب قدرت روزافزون، در منطقه عرض اندام کند. هدف اصلی این نوشتار، بررسی ریشه های نگرشی - سیاسی شکل گیری جنبش انصارالله یمن است. براین مبنای، سوال اصلی این است که چرا و چگونه جنبش انصارالله در یمن شکل گرفت و در شکل گیری و بقا از چه ویژگیهایی برخوردار است؟ در پاسخ، فرضیه پژوهش بیانگر اینست که موج بیداری اسلامی و هویت یابی مسلمانان همراه با تحولات جهان عرب از یکسو و ناکامی رژیم عبدالله صالح و منصور هادی در یمن، از سوی دیگر زمینه های شکل گیری جنبش انصارالله را ایجاد کرده است. براین اساس تداوم منازعه میان انصارالله و دولت یمن به یکی از موضوعات مهم منطقه تبدیل شده که علاوه بر این، ماهیت جنبش انصارالله و تهدید موقعیت استراتژیک یمن سبب نگرانی دولت های منطقه ای و فرامنطقه ای شده است. رویکرد پژوهشی ما در این نوشتار تبیینی - علی با تکیه بر نظریه سازه انگاری و روش جمع آوری داده ها، کتابخانه ای است.

واژگان کلیدی: جنبش، بیداری اسلامی، جنبش انصارالله یمن، نظریه سازه انگاری.

۱. کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. karimifardleila@gmail.com
ORCID:0000-0000-0000-0000

۲. استادیار روابط بین الملل، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. jamshidi@modares.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسأله

جنبش‌های اسلامی، حرکت‌هایی مردمی و سازمان‌یافته می‌باشند که خواهان جایگزینی وضعیت موجود با یک وضعیت مطلوب بر اساس فرامین شرع اسلام در همه ابعاد فکری، اعتقادی و سیاسی-اجتماعی در جوامع اسلامی هستند. شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی از یک سو متأثر از عوامل عینی مانند استعمار غرب، انحطاط فکری جوامع اسلامی، استبداد داخلی، سکولارسازی شتابزده در جوامع اسلامی، شکست‌های نظامی مسلمانان از بیگانگان و انحطاط درونی از یکسو و از سوی دیگر، متأثر از عوامل اندیشه‌ای و نگرشی مانند آموزه‌های اصلاح‌طلبان اسلامی، بیداری اسلامی و دستورات دینی مبنی بر مبارزه با ظلم، کفر و طاغوت و تلاش برای ایجاد جامعه مطلوب می‌باشد. جنبش‌های اسلامی ویژگی‌های متنوع و مختلفی دارند که از لحاظ شکل سازمانی، فکری و عقیدتی، اهداف و منافع، محیط تاریخی و جغرافیایی، عملکرد و مبارزه و دیگر موارد مورد طرح و مطالعه علمی اند (فوزی، ۱۳۸۹: ۱۵۴). جنبش‌های اجتماعی اسلامی از همان ویژگی‌های اساسی جنبش‌های اجتماعی مدرن برخوردارند، لذا در پی تبدیل شدن به نظام سیاسی هستند، با این تفاوت که صبغه اسلامی دارند. به بیان بلومر «هدف آنها تاسیس نوعی نظم جدید زندگی است.» (Blumer, 1955: 99) البته «برای موفقیت در فرآیند نظام‌سازی و تثبیت یک نظام سیاسی قدرتمند باید گفت که جنبش باید این فرآیند را در زمان معین خود طی کند، به بلوغ برسد و با یک حالت تحریکی به نظام سیاسی تبدیل نشود، چون یک‌باره فرومی‌ریزد» (hengazy, 2002: 582).

بطور کلی جنبش‌های اسلامی، گونه‌ای از جنبش‌های اجتماعی هستند که در واکنش به یک یا چند عامل از عوامل متعدد مانند استعمار غرب، انحطاط فکری و استبداد داخلی، الغای خلافت عثمانی، سکولار سازی شتابزده جوامع اسلامی، شکست‌های نظامی مسلمانان از بیگانگان، شکست الگوهای رقیب مانند ناسیونالیسم و سوسیالیسم عربی، بنیادگرای یهودی، و انحطاط درونی (بحران مشروعیت، بحران هویت، توزیع ناعادلانه ثروت، فساد و سرکوب) و نیز با تکیه بر اسلام به عنوان خاستگاه فکری و الگوی نجات‌بخش پدید آمده‌اند (مرادی، ۱۳۸۴: ۳۱). در این میان، جنبش انصار الله یمن، از جمله جنبش‌های اسلامی است که منشا تحولات چشم‌گیر در حوزه سرزمینی خود (یمن)، در منطقه خاورمیانه و همچنین در عرصه بین‌الملل بوده است. این جنبش امروزه توانسته است در عرصه داخلی و بین‌المللی با کسب

قدرت روزافزون، در منطقه بسوی ایحاد نظمی جدید حرکت نماید. این جنبش با داشتن صبغه اسلامی از مؤلفه‌های اصلی تمام جنبش‌های پویا یعنی داشتن هدف، برنامه و داشتن ایدئولوژی و برنامه برخوردار است و از طریق سازو کارهای اصلی «تحریک، توسعه روح جمعی، ارتقای روحیه، ایدئولوژی و تاکتیکها» (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۸۰-۸۲) به پیش می‌رود. با توجه به اهمیت و نقش موثر جنبش در منطقه و در روابط بین الملل، از بعد نظری ضروری است که این جنبش به شکلی دقیق‌تر مورد بررسی قرار گیرد.

براین اساس، این مقاله در پی یافتن پاسخ پرسش‌های چرایی و چگونگی شکل‌گیری جنبش انصارالله در یمن و تبیین ویژگی‌های این جنبش در روند ایحاد و استمرار است؟ در راستای پاسخ به این سؤال، فرضیه پژوهش بیانگر اینست که جریان بیداری اسلامی و تلاش در جهت هویت یابی مسلمانان و بازگشت به خویش همراه با تحولات جهان عرب از یکسو به مثابه عوامل هویت ساز و فساد و استبداد و ضعف رژیم حاکم بر یمن و ناکارآمدی سیاست این رژیم، از سوی دیگر به مثابه عوامل درونی، زمینه‌های شکل‌گیری جنبش انصارالله را ایحاد کرده است. براین اساس تداوم منازعه میان انصارالله و دولت یمن به یکی از موضوعات مهم منطقه تبدیل شده که نگرانی و دخالت دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را در پی داشته است. در جهت تحقق این مهم، رویکرد پژوهشی ما در این نوشتار تبیینی-علی با تکیه بر نظریه سازه‌انگاری و روش جمع‌آوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای است.

۲. چارچوب نظری: نظریه سازه‌انگاری

سازه‌انگاری یکی از نظریه‌های جدید و تأثیرگذار در حوزه مطالعات سیاست و روابط بین‌الملل به‌ویژه موضوعات مربوط به هنجارها، فرهنگ، هویت و قدرت نرم کشورها و بازیگران غیردولتی در سیاست خارجی است. بطورکلی، بنیاد نظریه سازه‌انگاری، اهمیت قواعد، رویه‌ها و نهادها در شکل‌دادن به هویت کنشگران و نقش‌آفرینی هویت در جهت دادن به منافع و سیاست‌های بازیگران است (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۷۲). مهم‌ترین مفروضات هستی‌شناسانه سازه‌انگاری در خصوص زندگی اجتماعی و تأثیرشان بر سیاست‌های جهانی عبارت‌اند از: الف) اهمیت ساختارهای هنجاری یا انگاره‌ای: سازه‌انگاران اعتقاد دارند که نظام‌های معنایی تعریف می‌کنند که چگونه کنش‌گران محیط مادی‌شان را تفسیر می‌کنند (ب) اثر و نقش هویت‌ها در تکوین

منافع و رفتار بازیگران و در واقع اینکه هویت‌ها بر منافع و کنش‌ها شکل می‌دهند (عسکرخانی و منصوری، ۱۳۸۹: ۱۹۵). بنابراین، یکی از مؤلفه‌های بنیادین نظریه سازه‌انگاری بحث هویت است، سازه‌انگاری تلقی ذات‌گرایانه از موجودیت جهان معرفت، انسان، اخلاق، قواعد و حقیقت را به «مسأله‌ای برای اندیشیدن» بدل می‌کند. یکی از مباحث مهم در سطح هستی‌شناسی برای سازه‌انگاران، بحث هویت است (سمیعی و فتحی مظفری، ۱۳۹۲: ۶۴).

گزاره‌های مهم فرا نظری سازه‌انگاری عبارتند از:

۱. ساختارهای فکری به اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارند؛

۲. گزاره‌ی هویت‌ها هستند که به منافع و کنش‌ها شکل می‌دهند؛

۳. کارگزاران و ساختارها متقابلاً به هم شکل می‌دهند (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۹).

سازه‌انگاران قدرت را صرفاً در عوامل مادی خلاصه نمی‌نمایند و بر قدرت ایده‌ها و اندیشه‌ها تأکید دارند. برای سازه‌انگاران سازه‌های تمدنی، عوامل فرهنگی، هویت‌های دولتی و غیره همراه با اینکه چگونه به منافع دولت‌ها الگوهای برآیندها شکل می‌دهند، مهم است. مجموعه این عوامل، نوعی جهان‌بینی ایجاد می‌کند و بر الگوهای تعامل بین‌المللی اثر می‌گذارد. بنابراین، با مطرح شدن نقش عوامل غیر مادی و هویت‌ساز، زمینه تحلیل جدیدی در عرصه روابط بین‌الملل به وجود آمد که در قالب نظریه سازه‌انگاری معنا و مفهوم پیدا می‌کرد (Wendt, 1994: 348).

بنابراین، آنچه دولت‌ها انجام می‌دهند، وابسته به این است که هویت و منافع آن‌ها چیستند. هویت و منافع نیز تغییر می‌کنند، این تغییر هویت‌ها به دولت‌ها و هم به هویت نظام بین‌الملل مربوط می‌شود. در نتیجه آنچه اهمیت می‌یابد، این نکته است که هویت و منافع چگونه ساخته می‌شوند (Weber, 2001: 60). برای فهم هویت‌ها هنجارها نیز بررسی معانی بین‌الذاتی لازم است (Zehfuss, 2001: 4). کنشگران در معانی جمعی هویت کسب می‌کنند و این هویت به‌عنوان خصوصیت کنشگران بین‌المللی گرایش‌های انگیزشی و رفتاری آن‌ها را به وجود می‌آورد (Wendt, 1999: 229). این معانی نیز همان ایده‌ها، ایدئولوژی، آرمان‌ها و نگرش‌ها هستند که بنیان‌های اساسی نظام‌ها و جنبش‌ها محسوب می‌گردند. از این رو در این اثر با تکیه بر هویت جنبش انصار الله که بر آمده از ایدئولوژی و نگرش این جنبش است به بررسی و تبیین چرایی و چگونگی این جنبش می‌پردازیم.

۳. بررسی مفهومی

۱.۳. جنبش

جنبش در لغت به معنای تکان و حرکت، تغییر و یا نهضت، از اسم مصدر جنبیدن، و از نظر سیاسی به گروهی که برای دستیابی به اهداف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و امثال آن فعالیت می‌کنند گفته می‌شود مثل جنبش آزادی‌بخش فلسطین (عمید، ۱۳۸۹: ۴۰۱). این درحالی است که جنبش در اصطلاح سیاسی عبارت است از «حرکت یا رفتار گروهی به نسبت منظم و بادوام برای رسیدن به هدف اجتماعی - سیاسی معین و بر اساس نقشه معین که ممکن است انقلابی و یا اصلاحی باشد» (آقا بخشی و افشاری راد، ۱۳۸۷، ۳۶۹).

در تعریف جنبش، برخی بر نقش ارزش‌ها و هنجارهای جدیدی که آن‌ها را به وجود می‌آورند تأکید دارند؛ برخی دیگر نقش تشکل، سازمان‌دهی و شبکه‌های ارتباطی و برخی استمرار و پایداری آن‌ها را مهم می‌دانند و برخی عنصر آگاهی بخشی و هویت بخشی را برجسته می‌کنند. برخی بر آنند که جنبش را می‌توان یک پدیده جدید دانست که پس از رنسانس در غرب به وجود آمده است. رفتارهای جمعی قبل از رنسانس فاقد شرایط جنبش بودند. به صورت کلی هر جنبش از سه ویژگی برنامه، ایده و گفتمان برخوردار است که رفتارهای جمعی پیش از رنسانس فاقد این سه ویژگی بودند (مشهدی تقی، ۱۳۹۴: ۴). در یک نگاه کلی می‌توان گفت: جنبش یک پدیده اجتماعی است که در ابعاد مختلف به تغییر در ترکیب‌بندی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و یا فرهنگی منجر می‌شود. بسته به اینکه این جنبش در چه فضایی شکل بگیرد، می‌تواند سیاسی، اجتماعی و یا اقتصادی باشد و می‌تواند به تغییرات عمیق سیاسی بی‌انجامد. (واعظی، ۱۳۹۰: ۱۲۸-۱۲۹).

به عقیده دیانی، یک جنبش، شبکه‌ای از تعاملات غیررسمی بین تعدادمتنوعی از افراد، گروه‌ها و سازمان‌هاست. مرزهای شبکه یک جنبش با هویت جمعی خاصی تعیین می‌شود که بین بازیگران درگیر، در تعامل مشترک است. بازیگران جنبش‌ها نیز با برخوردهای سیاسی یا فرهنگی، تغییرات اجتماعی را در سطوح سیستمی و غیر سیستمی افزایش می‌دهند یا به مخالفت با آن می‌پردازند. بنابراین یک جنبش، شبکه‌ای از تعاملات غیررسمی بین افراد، گروه‌ها یا سازمان‌هایی است که برم بنای هویت جمعی مشترک درگیر برخورد سیاسی یا فرهنگی هستند (انصاری، ۱۳۷۶: ۱۴۰). ریشه در کتاب تغییرات اجتماعی جنبش را سازمانی کاملاً متشکل و مشخص می‌داند که به منظور دفاع یا گسترش یا دستیابی به هدف‌هایی خاص به گروه‌بندی و تشکل اعضا می‌پردازد (آقایی، ۱۳۸۱: ۱۵۹).

به طور کلی می‌توان جنبش را «فرآیند حرکت اجتماعی سازمان یافته به منظور ایجاد تغییرات هدفمند در جامعه دانست که با اعتراض جمعی و نارضایتی اجتماعی همراه است و رهبری و انسجام درونی دارد». در این تعریف عناصر سازمان‌یافتگی، وجود گفتمان و ایدئولوژی، اراده بر تغییرات اجتماعی و هدفمندی مورد تأکید قرار گرفته است.

۲.۳. جنبش اجتماعی

مفهوم جنبش اجتماعی مانند اغلب مفاهیم علوم اجتماعی، بخشی از واقعیت را توصیف نمی‌کند، بلکه عنصری از یک شیوه خاص بر ساختن واقعیت اجتماعی است. (Touraine, 1985: 749) جوامع غربی در طول چند سده گذشته تقریباً به طور مستمر با انواع جنبش‌های اجتماعی از قبیل جنبش دهقانی، کارگری، سندیکالیستی، اسلام‌گرا، ضد استعماری، جنبش زنان و... روبه‌رو بوده‌اند (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۹). به طور کلی، تعاریف مختلفی از جنبش اجتماعی وجود دارد که از عدم اجماع نظر در میان نظریه‌پردازان درباره معنای این مفهوم خبر می‌دهد. با وجود تمامی وجوه متفاوت در تعریف جنبش اجتماعی، همه آن‌ها از ویژگی‌های خاص و مشترکی مانند مشخص بودن اهداف، داشتن برنامه و برخورداری از ایدئولوژی برخوردار هستند (کوئن، ۱۳۷۸: ۴۰۵-۴۰۶). بی تردید جنبش اجتماعی رفتاری اجتماعی (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۱۰) است که با تکیه بر آرمان‌های مشترک جمعی برای رسیدن به منافع جمعی مشخصی در قالب حرکت اصلاحی یا انقلابی صورت می‌گیرد.

ویژگی‌های جنبش‌های اجتماعی عبارتند از:

۱. مطرح کردن ارزش‌ها و ایده‌ها و همبستگی مشترک
۲. داشتن اهداف مشخص و قابل دسترس؛
۳. وجود هویت مشترک و تفکر راهبردی و ایدئولوژی حداقلی که عامل همبستگی و انسجام درونی باشد، هدف را توجیه و مشروعیت جنبش را تقویت و چگونگی دستیابی به هدف را ترسیم کند.
۴. داشتن رهبری تحول‌ساز و کارآمد که مورد اطاعت و پذیرش اکثریت قریب به اتفاق اعضا و حامیان جنبش باشد.
۵. سازماندهی؛

۶. اصل مخالفت و منازعه در برابر نیرویی که تلاش می‌کند در برابر آن‌ها مقاومت و بر آن‌ها غلبه کند.

۷. فراهم کردن زمینه‌های لازم برای ایجاد تحول اجتماعی.

- بر این اساس جنبش‌های اجتماعی چهار خصلت مشترک دارند:

۱. وجود شکاف و تضاد بین دودسته یا قشر از جامعه که بهانه و علت شکل‌گیری تضادی دوگانه و درنهایت یک جنبش می‌شود.

۲. وجود یک گفتمان یا ایدئولوژی که آموزه‌ها، ایده‌ها و شعارهای مشترک هواداران جنبش را شامل می‌شود و در جریان قبول یا استقبال از آن آموزه‌ها، موجب ایجاد آگاهی، هویت و همبستگی می‌شود.

۳. وجود شبکه‌ای وسیع از روابط جمعی و غیررسمی میان دسته‌ای از همفکران، همکاران و دوستان که نهادهای حکومتی را که یارای از بین بردن آن به‌آسانی نباشد.

۴. امکان نوعی اعتراض جمعی که معمولاً وقتی شکل می‌گیرد که ساختارهای دولت اجازه فعالیت به جنبش‌ها را بدهد، یا دولت به علت ضعف، قادر به کنترل فعالیت نباشد یا نیروی ناشی از بسیج مردمی جنبش چنان قوی باشد که دولت نتواند آن را کنترل کند (نجفی، ۱۳۸۳: ۳۴).

۳.۳. جنبش‌های اجتماعی اسلامی

جنبش‌های اجتماعی اسلامی کم و بیش از همان ویژگی‌های اساسی جنبش‌های اجتماعی مدرن و هویتی برخوردارند، با این تفاوت که صبغه اسلامی و دینی نیز دارند. همچنین هر جنبش اجتماعی اسلامی همانند دیگر جنبش‌ها، قابلیت تبدیل شدن به یک نظام سیاسی کارآمد را دارد. در تعریف جنبش‌های اسلامی معاصر گفته شده است که این نوع از جنبش‌ها، گونه‌ای از جنبش‌های اجتماعی هستند که در واکنش به یک یا چند عامل از عوامل متعدد مانند استعمار غرب، انحطاط فکری و استبداد داخلی، الغای خلافت عثمانی، سکولار سازی شتاب‌زده جوامع اسلامی، شکست‌های نظامی مسلمانان از بیگانگان، شکست الگوهای رقیب مانند ناسیونالیسم و سوسیالیسم عربی، بنیادگرایی یهودی، و انحطاط درونی (بحران مشروعیت، بحران هویت، توزیع ناعادلانه ثروت، فساد و سرکوب) و نیز با تکیه بر اسلام به‌عنوان خاستگاه فکری و الگوی

نجات‌بخش پدید آمده‌اند (مرادی، ۱۳۸۴: ۳۱). حرکت بسوی نظام سازی یکی از مهمترین ویژگی های جنبش هاس اسلامی بوده است. طبیعی است «برای موفقیت در فرایند نظام سازی و تثبیت یک نظام سیاسی قدرتمند باید گفت که یک جنبش باید این را در زمان معین خود طی خود طی کند، به بلوغ برسد و با یک حالت تحریکی به نظام سیاسی تبدیل نشود، چون یک‌باره فرومی‌ریزد» (hegazy, 582: 2002).

۴. بررسی ریشه‌ها و عوامل شکل‌گیری جنبش انصار الله

بر مبنای نگرش سازه انگاری عوامل شکل‌گیری جنبش انصار الله در یمن را در سه حوزه، عوامل هویتی و ایدئولوژیک، عوامل سیاسی و ساختاری و عوامل فراملی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱.۴. زمینه‌ها و عوامل هویتی و ایدئولوژیک

هویت هر ملت، موضوعی در قلمرو جغرافیای سیاسی و نیز مربوط به چگونگی پیدایش و بقای آن است. بدیهی است احساس تعلق فرد به جامعه و محیط جغرافیایی، هویتی ویژه به فرد و جامعه پیرامونی وی می‌بخشد. بنابراین، ملت همواره عنصری هویت‌بخش بوده است (کرایج، ۱۹۶۵: ۵۴). در این راستا، زبان و دین، از عناصر مهم هویتی ملت‌ها برشمرده می‌شوند. برخی معتقدند ملت و هویت ملی، بر ساخته روایت‌های سازه انگارانه است که در آن، ملت‌ها با به یاد آوردن خاطرات تداوم می‌یابند و درک آنان از هویتشان، بر اساس روایت‌هایی ساخته می‌شود که به‌وسیله خاطره برانگیخته می‌شوند. ریموند هینه بوش معتقد است کسب هویت برای ایجاد نظم هنجاری مطلوب در سیستم عربی یا اسلامی، با وام گرفتن از پان‌عربیسم یا پان‌اسلامیسم، روابط بین‌الملل خاورمیانه‌ای را تحت تأثیر قرار داده است (هینه بوش، ۱۳۸۶: ۲۷۰).

گروه‌های هویت‌گرا به‌عنوان اصلی‌ترین بازیگران منطقه‌ای در خاورمیانه ایفای نقش می‌کنند. به‌طور کلی می‌توان تأکید داشت که مقابله با گروه‌های هویت‌گرا که دارای رویکرد ایدئولوژیک هستند، از طریق راهبردهای امنیتی و الگوهای متنوعی حاصل می‌شوند. در چنین شرایطی زمینه برای بهره‌گیری از الگوهای پیچیده و متنوع‌تری در حوزه ژئوپلیتیکی فراهم شده است. با توجه به این موضوع، مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی جدیدی بعد از جنگ سرد در خاورمیانه ظهور یافت.

از جمله این مؤلفه‌ها می‌توان به ظهور نیروهای اجتماعی به‌عنوان محور اصلی تحول انقلابی اشاره داشت و نشانه هویت‌گرایی را در شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی و انقلابی مورد توجه قرارداد (مصلی نژاد، ۱۳۹۱: ۱۳۶).

از نظر هویتی، ارتباط مذهب و سیاست در خاورمیانه، بیش از دیگر نقاط مشاهده می‌شود و یکی از مهم‌ترین عوامل سازنده این هویت در کشورهای منطقه، عامل دین است. به بیان دیگر، جدایی دین از دولت، آن‌چنان‌که در غرب نمودار شد، در خاورمیانه رخ نداد و بسیاری از حاکمان منطقه، داعیه رهبری دینی داشته و دارند (امیر عبداللهیان، ۱۳۹۰: ۱۳۷). این مسئله در کشور یمن رخ داد. یمن بعد از فروپاشی عثمانی به دو منطقه شمالی و جنوبی تقسیم شد که بعدها به اتحاد رسیدند و کشور یمن متحد ایجاد شد. البته این اتحاد در ساختار جغرافیایی روی داد. ولی در ساختار حکومتی و سیاسی پیوسته میان شیعیان شمال و سنی‌های جنوب بر سر حکومت و نوع آن اختلاف بوده است. همان‌گونه که بیان شد دو مذهب شیعی زیدی و مذهب اهل سنت عامل هویتی و مذهبی این کشور را تشکیل داده است و بسیاری از جنگ‌ها و درگیری‌ها بین این دو گروه بر سر قدرت بوده است (موسوی و باقری فر، ۱۳۹۴: ۲۱۰).

مقدمه خیزش جنبش انصار الله در یمن، تأکید بر هویت فرقه شیعه زیدیه بوده است. اختلاف بر سر مسئله امامت و انشعابات که در پی آن در جامعه اسلامی رخ نمود، نهایتاً به تقسیم جامعه اسلامی به فرقه‌های متعدد منتهی شد که یکی از این فرقه‌ها، زیدیه است. قیام زید بن علی بن حسین (متوفی ۱۲۲ ق. / ۷۳۹ م.) سرآغاز حرکتی بود که بعدها زیدیه نام گرفت. زید، شرط امامت را قیام می‌دانست و این اصل محور اساسی تفکری زیدی شد که در واقع پیاده کردن اصل امر به معروف و نهی از منکر به نیروی شمشیر ممکن است زیرا در غیر این صورت ظلم و ستم همه‌گیر می‌شود (خصیری، ۱۳۸۰: ۸۷). به عبارت دیگر، حوثی‌ها خود را مدافع جامعه شیعیان زیدی می‌دانند که تحت حملات شدید بوده و در خطر نابودی فرهنگی قرار دارند. از نظر آنان اتحاد میان دولت یمن و سلفی‌ها تهدیدی بزرگ برای شیعیان و سنتشان می‌باشد. در واقع نیروهای حوثی بازوی مسلح شیعیان یمن هستند که در برابر تهاجمات دولت مرکزی از آن‌ها دفاع می‌کنند (فوزی، ۱۳۹۱: ۲۵-۲۴). در پروسه بازاندیشی و احیای هویت زیدیه یمن توسط حوثی‌ها، سه هدف مهم دنبال شده است: ۱. ارائه قرائتی فراگیر از مذهب زیدیه که بیشترین قرابت و هم‌پوشانی را با شیعه امامیه دارد. ۲. ترسیم مرزهای غیریت با مذهب وهابی و نه جامعه

شافعی مذهب یمن؛ یعنی حوثی‌ها با احیای هویت زیدی دغدغه‌های «ملی‌گرایانه» دارند. ۳. توجه خاص روی ارزش‌های سیاسی، اجتماعی اسلام نظیر امر به معروف، نهی از منکر و جهاد که در گذر زمان کمرنگ شده بودند (میر احمدی و احمدوند، ۹۴-۱۳۹۳: ۱۵۵).

بنابراین ویژگی‌های ایدئولوژیک و هویتی سازنده جنبش انصار الله به اختصار عبارتند از: ۱. اولین خصلت پدیدآورنده و زمینه‌ساز ظهور جنبش نفی وجود شکاف‌های اجتماعی است. شکاف‌های قومیتی، طبقاتی، مذهبی، فرهنگی و... در جامعه یمن به عنوان شرط اولیه ظهور جنبش اجتماعی محقق شده بود اما آنچه مهم است اینست که بنیانگزاران جنبش با هدف مقابله با این شکافها در جامعه یمن و تسری این هدف به دیگر جوامع اسلامی حرکت خود را شروع کردند.

۲. ویژگی مهم دیگر تأثیر ایدئولوژی در گسترش روحیه انقلابی و اتحاد مردم است. ایدئولوژی اسلامی و گفتمان شیعی نقشی بسیار مهم و عمیق در گسترش روحیه انقلابی و بسیج مردمی یمن برای مقبله با ظلم و بیعدالتی و تبعیض است.

۳. وجود رهبری دینی و کاریزماتیک؛ در شکل‌گیری قیام یمن، عبدالعلی حوثی به عنوان رهبری دینی، ایدئولوگ و برخوردار از شخصیت کاریزماتیک، هدایتگر و جهت‌دهنده جنبش، نقش اصلی را در شکل‌گیری و پیشبرد خیزش انصار الله یمن داشته است.

۲.۴. عوامل سیاسی و ساختاری

پس از حوادث رخ داده در کشورهای عربی که بانام‌هایی مانند «بیداری اسلامی»، «بهار عربی» و... معروف شده‌اند، یمن نیز صحنه بروز برخی از شورش‌ها و ناآرامی‌های داخلی شد؛ مسائلی که به مرور رنگ انقلاب به خود گرفت و باعث ورود قدرتهای مهم منطقه‌ای به تحولات این کشور شد. عربستان سعودی که همیشه امنیت خود را درگرو وجود یک حکومت همراه و دوست در مرزهای جنوبی‌اش می‌دانست، بلافاصله واکنش نشان داد و به این کشور حمله نظامی کرد (هاشمی نسب، ۱۳۸۸: ۲۹۴). وقوع انقلاب‌ها و اعتراضات گسترده در کشورهای عربی و نقش بالای اسلام خواهان در پدیدارشدن این تحولات، احتمال سرایت این دست تحرکات را به کشورهای خاورمیانه با توجه به تعداد مسلمانان منطقه، نوع نظام‌های سیاسی حاکم و از همه مهم‌تر جهانی شدن جریان بیداری اسلامی، افزایش داده است (ایراس، ۱۳۹۰: ۱). همان‌گونه

که ساموئل هانتینگتون ابراز می‌دارد که: «برآورده نشدن درخواست‌ها و محرومیت از فرصت و مشارکت در نظام سیاسی، یک گروه را انقلابی می‌سازد» (ملکوتیان، ۱۳۸۰: ۱۳۵). در مورد نقش عوامل ساختاری و سیاسی در یمن نیز همین‌گونه است.

به‌طورکلی مهم‌ترین ویژگی‌های سیاسی و نظام حزبی یمن پس از ادغام و نیز از دلایل مهم انقلاب مردم یمن و ناآرامی‌های سال ۲۰۱۱ به بعد در یمن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) بی‌ثباتی و ناامنی داخلی

شورش‌ها و قیام‌های مردمی که رژیم بن علی و مبارک را درنوردید، همچنان ادامه یافت. جلوه و تأثیر الهام‌بخش تظاهرات گسترده غیر خشونت‌آمیز که توسط رسانه‌های اجتماعی سازمان‌دهی شده بودند باعث تحریک سرکوب سیاسی شد و سرکوب سیاسی را به مبارزه طلبید و از پذیرش رژیم‌های امنیتی که رهبران مستبد عربی برای دهه‌ها ضد شهروندان خود وضع کرده بودند و این شیوه اعتراضات تأثیرات دگرگون‌سازی داشتند (Lynch, 2012: 110- 116).

ب) بیکاری و ناامنی غذایی

از نظر اوضاع اقتصادی اجتماعی، یمن فقیرترین کشور خاورمیانه است و حداقل ۵۸ درصد کودکان این کشور از سوءتغذیه رنج می‌برند. همچنین نرخ رشد جمعیت سالانه یمن حدود ۳/۲ درصد است. حال آنکه منابع طبیعی انسانی و دولتی این کشور محدود بوده و تاب تحمل چنین رشد جمعیتی را ندارد (Blumi, 2011: 1). یکی دیگر از مشکلات مهم اجتماعی یمن، معضل بیکاری، به‌ویژه در میان جوانان است. نرخ بیکاری در یمن ۲۸ درصد است که از این نسبت حدود ۵۷ درصد را جوانان تشکیل می‌دهند (صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۲۶۱).

پ) فساد اقتصادی گسترده

یمن فقیرترین کشور در جهان عرب بوده و انتظار می‌رود در دو دهه بعد جمعیت آن دو برابر شده و به بیش از چهل میلیون نفر برسد. نفت هم به‌عنوان منبع بیش از ۷۵ درصد از درآمد این کشور به‌سرعت در حال پایان یافتن بوده و دولت هیچ راه مشخصی برای انتقال به اقتصاد پسانفتی ندارد (بوچک، ۲۰۰۹: ۴-۶).

به طور کلی می‌توان گفت فساد گسترده و ویژگی الیگارشیک حکومت و اقتدارگرایی مبتنی بر هژمونی حزبی در یمن، نارضایتی احزاب و گروه‌های سیاسی اپوزیسیون را برانگیخته و بحران مشروعیت عمیقی را در این کشور ایجاد کرده است. این وضعیت با جاننشینی منصور هادی به جای علی عبدالله صالح نه تنها بهبود پیدا نکرد، بلکه تشدید تر شد. به همین خاطر با اعتراض حوثی‌ها به منصور هادی و کشیده شدن این اعتراضات به پایتخت وی مجبور به ترک کشور و فرار به عربستان شد. ریشه جنبش الحوثی‌های شیعه را می‌توان در دهه ۱۹۸۰ و نیز جنبش مذهبی جستجو کرد که تحت رهبری بدرالدین الحوثی شروع شد. حوثی‌ها توانستند خود را ارتقا دهند و یک نهاد نظامی در منطقه صعده تشکیل دادند. نفی ورد سلطه آمریکا در یمن برای این گروه بسیار حیاتی است. دولت صالح آن‌ها را متهم به سرنگونی دولت مرکزی و اجرای قوانین مذهبی تشیع در یمن کرد (Sharqieh, 2013: 11-12).

در خصوص شکل‌گیری جنبش حوثی‌ها، مجموعه‌ای از ملاحظات پیچیده را باید در نظر گرفت. از منظر بسیاری از افراد در نواحی صعده، مران و حجه (و سایر مناطقی که در سمت مرز عربستان سعودی هستند)، تقابل بین صالح و الحوثی، تداوم سرخوردگی‌های مشخص بسیاری از اهالی این مناطق، در بستر تغییرات جمعیتی بوده که در نتیجه مهاجرت گسترده جوامع سنی طرفدار رژیم به این مناطق انجام می‌گرفته است. همچنین، باید به اوضاع اقتصادی وخیم مناطق شمالی یمن و تبعیض‌های گسترده علیه شیعیان زیدی این مناطق اشاره نموده که زمینه‌های نارضایتی و شکل‌گیری جنبش حوثی‌ها را ایجاد کرد. به طور کلی، تا قبل از بهار عربی، تجزیه طلبی جنوبی‌ها و جنبش حوثی‌ها مهم‌ترین چالش‌های سیاسی امنیتی حکومت مرکزی در یمن بود. القاعده و گروه‌های رادیکال اسلامی را که نفوذ گسترده‌ای در یمن دارند نیز می‌توان به چالش‌های مذکور اضافه نمود (نیاکونی، ۱۳۹۱: ۱۰۸-۱۱۲).

با وقوع بهار عربی در کشورهای منطقه، رژیم علی عبدالله صالح به چالش کشیده شد و منصور هادی جانشین وی شد، اما اختلافات بین جریان‌های مختلف تداوم داشت. ناکامی دولت منصور هادی در تقسیم قدرت میان گروه‌های معترض سبب افزایش تحركات شیعیان یمنی شد. هم‌زمانی این موضوع با تقویت نیروهای القاعده در جنوب این کشور به تشدید ناآرامی و ناامنی در یمن منجر شد. تداوم اعتراضات نیروهای حوثی به فساد و وابستگی دولت به غرب و آمریکا و سیاست‌های اقتصادی دولت سبب پیشروی چشمگیر شیعیان و کنترل استان‌های صعده

و عمران توسط این جریان‌ها شد (نجات و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۳۹).

در چنین شرایطی منصور هادی که از سوی کشورهای غربی پشتیبانی می‌شد، استعفا داد؛ اما استعفای او توسط مجلس پذیرفته نشد. منصور هادی پس از گریختن، از جامعه بین‌المللی و متحدان عرب خود خواست تا در یمن دخالت نظامی کنند. با تسلط حوثی‌ها بر مناطق شمالی یمن و پیشروی آن‌ها به سوی جنوب یمن، شورای امنیت سازمان ملل متحد با پشتیبانی عربستان سعودی، ایالات متحده و انگلیس قطعنامه ۲۲۱۶ را تحت فصل هفتم منشور ملل متحد در ۱۴ آوریل ۲۰۱۵ صادر کرد (UN: April 14, 2015).

۳.۴. زمینه‌ها و عوامل فراملی

الف- تاثیر سعودی: در مورد علل و عوامل فراملی موثر در شکل‌گیری این جنبش، باید گفت، یمن در همسایگی عربستان سعودی قرار دارد، که در اثر توسعه‌طلبی ایدئولوژیک سعودی و وهابیت، یمن را در فضای امنیتی خود تعریف کرده است. شبه‌جزیره عربستان مهم‌ترین گلوگاه انرژی، ترانزیت کالا و بازار تجارت بین‌المللی به حساب می‌آید. این موقعیت هنگامی که به موقعیت کشورهای پیرامونی خلیج فارس (ایران و عراق) اضافه شود، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. نزدیک به نیمی از ذخایر استراتژیک انرژی در این منطقه قرار دارد و در این میان، تضمین جریان آزاد انتقال انرژی به کشورهای غرب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یمن در جنوب غربی آسیا و جنوب شبه‌جزیره عرب قرار دارد و مرزهای دریایی گسترده‌ای در دریای سرخ و خلیج عدن دارد. یمن از حاصلخیزترین مناطق شبه‌جزیره عربستان به شمار می‌رود. این کشور به دلیل قرار گرفتن در شمال تنگه باب المندب به لحاظ راهبردی نیز اهمیتی ویژه دارد که با پیوند دادن دریای سرخ و اقیانوس هند، نزدیک‌ترین آبراهه بین شرق و غرب به شمار می‌رود (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴). به‌طورکلی می‌توان عوامل اهمیت یمن، برای عربستان سعودی را این‌گونه بیان کرد:

- ارتفاعات ژئواستراتژیک: کوهستان شمال یمن ضمن تسلط بر مناطق عربستان سعودی، مانعی بر امکان تسلط کامل امنیتی و نظامی بر مناطق جنوبی این کشور نیز محسوب می‌باشد؛
 - تنگه استراتژیک: عمده‌ترین نقص ژئوپلیتیک عربستان سعودی، دسترسی به دریاهایی است که آب‌راه‌های اصلی آن در اختیار کشورهای دیگر است همچون خلیج فارس که خروج

از آن از طریق تنگه هرمز است که در اختیار جمهوری اسلامی ایران و عمان است و دریای سرخ که ورود و خروج آن از طریق کانال سوئز که در اختیار مصر قرار دارد و تنگه باب‌المندب که در اختیار کشور یمن و کشورهای شاخ آفریقا می‌باشد. به همین دلیل این کشور در هر زمانی که فرصتی به دست آورد مناطق اطراف خود را با شیوه‌های مختلف همچون روی کار آوردن دولت‌های همسو، تحت استیلا امنیتی خود قرار می‌دهد؛

ب- بافت جمعیتی غیرهمسان با اکثریت جهان عرب: شیعیان که در جهان عرب، اقلیت محسوب می‌شوند و از حمایت کمتری از جانب ایشان برخوردار هستند و عربستان سعودی که خود را ام‌القری جهان عرب و اسلام می‌داند، شیعیان را مانعی در این راه می‌داند زیرا شیعیان جهان، جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان ام‌القری جهان اسلام می‌دانند. ناهمگونی جمعیتی با اکثریت جهان عرب و رویکرد خوانشی شیعیان با اسلام ایرانی؛ این ناهمگونی اجتماعی و تهدیدات خارجی گاهی موجب تجزیه و فروریزی جمعیت انسانی می‌شود و سبب پیدا شدن گروه‌های مختلف در جامعه می‌گردد (بشریه، ۱۳۸۸: ۹۹).

جنبش انصار الله از اولین جریان‌هایی بود که از همان ابتدا با طرح ابتکاری شورای همکاری خلیج فارس مخالفت کرد. رهبران این جنبش بارها اعلام کردند که نتیجه پذیرش طرح شورای همکاری، مصادره انقلاب و اعطای مصونیت به کسانی است که بیش از سه دهه در کشور دست به جنایت و غارت زده‌اند، اما با فشارهای شدید داخلی و خارجی که برای پذیرش طرح شورای همکاری وجود داشت، سرانجام این طرح پذیرفته شد و میان طرفین به امضا رسید. یکی از مهم‌ترین بندهای طرح شورای همکاری، تشکیل کنفرانس گفت‌وگوی ملی با حضور نمایندگان تمام طرف‌های یمنی برای بررسی مشکلات اساسی کشور و ارائه راهکارهایی برای برطرف کردن آن‌ها بود. در این میان، جنبش انصار الله با وجود مخالفت با طرح شورای همکاری، در این کنفرانس به‌صورت بسیار جدی و فعال مشارکت کرد (رسولی، ۱۳۹۴: ۲۱۳).

ج- دولتهای منطقه و قدرت‌های جهانی: از سوی دیگر باید دانست تداوم منازع میان انصار الله و دولت یمن یکی از موضوعات مهم منطقه تبدیل و به دلیل ماهیت جنبش و تهدید موقعیت استراتژیک یمن، سبب نگرانی دولت‌های منطقه و فرا منطقه‌ای شده است. منازعه حوثی‌ها با دولت مرکزی، منازعه‌ای چندوجهی و گسترده است. اختلافات بر سر مسائل اقتصادی و زیرساخت‌ها و تقسیمات کشوری، نفوذ سلفی‌ها در یمن و به‌ویژه شمال این کشور جملگی از

موضوعاتی است که دشواری‌های رابطه دوطرفه را تشدید کرده است. به همین دلیل و به‌رغم آنکه برخی پژوهشگران و ناظران نزاع یادشده را به اختلاف علی عبدالله صالح با حوثی‌ها مرتبط می‌دانستند، با کنار رفتن صالح نیز تحول‌چندانی در رابطه این جنبش با دولت مرکزی به وجود نیامد و عمده تحولات در این زمینه ناشی از گرایش حوثی‌ها به مشارکت در فرایند دولت‌سازی در یمن جدید بوده است (مددی، ۱۳۹۳: ۵۸).

درواقع قدرت‌یابی انصارالله در یمن و شکل‌گیری یک حکومت اسلامی و مردمی در آن، همسو با منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران ارزیابی می‌شود و می‌توان با بهره‌برداری صحیح از این شرایط، به تقویت فزاینده جایگاه ایران در حوزه غرب آسیا و شمال آفریقا دست‌یافت و این مسئله همان چیزی است که عربستان و دیگر کشورهای عرب منطقه که دارای رژیم استبدادی و ساختاری عقب‌مانده به لحاظ سیاسی و اجتماعی هستند، به شدت واهمه دارند. به‌عبارت‌دیگر، در صورت پیروزی کامل و تسلط انصارالله بر یمن، ضلع چهارم جبهه مقاومت در منطقه شکل می‌گیرد و این امر به معنی توسعه عمق استراتژیک ایران در منطقه و محاصره عربستان توسط شیعیان است (هاشمی نسب، ۱۳۸۸: ۲۹۰-۲۹۱). در کل این رقابت‌ها و تعارضات داخلی و خارجی باعث شکل‌گیری بحران در یمن شده است. به‌طوری‌که هرکسی می‌خواهد الگوی ترتیبات امنیتی را بر اساس منافع موردنظر خود در یمن پیاده کند. بحران یمن بازتاب واقعیت‌های بحران‌ساز در مناطق ژئوپلیتیکی خاورمیانه و آسیای جنوب غربی محسوب می‌شود. جنگ داخلی یمن نشانه‌هایی از ارتقا سطح بحران‌های منطقه‌ای از «منازعات کم‌شدت» با الگوی نیابتی به «منازعه پر شدت» با «الگوی مداخله‌گرایی راهبردی» می‌باشد. بر اساس چنین رویکردی است که در فرآیند هویت‌یابی گروه‌های حوثی در یمن، شرایط برای گسترش درگیری‌های سیاسی و تبدیل آن به سازوکارهای جدیدی از بحران، مقاومت، جنگ داخلی و مداخله منطقه‌ای را اجتناب‌ناپذیر ساخته است (مصلی نژاد، ۱۳۹۴: ۱۱۵-۱۱۶). براین اساس می‌توان گفت در سطح خارجی یمن به صحنه رقابت سه جریان اصلی خاورمیانه یعنی ایران، عربستان و ائتلاف قطر-ترکیه تبدیل شده است. عربستان حامی جریان هادی منصور، ایران حامی جریان حوثی‌ها و قطر و ترکیه حامی جریان اخوانی‌ها هستند (Altamini, 2014: 8).

د- موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک یمن: از نظر جغرافیای انسانی، یمن کشوری با ۲۵ میلیون نفر جمعیت است. دین رسمی یمن اسلام است و از نظر جمعیتی، شیعیان زیدی و

سنی‌های شافعی مهم‌ترین فرق مذهبی این کشور هستند. شیعیان زیدی بیشتر در مناطق شمال و شمال شرقی یمن ساکن هستند و شافعی‌ها بیشتر در مناطق جنوبی و غربی سکونت دارند. فرقه اسماعیلیه و شیعیان دوازده‌امامی نیز در این کشور حضور دارند (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۱۰۳). مسلمانان ۹۷ درصد (سنی ۵۵ درصد / شیعه ۴۲ درصد) و هندو، مسیحی و یهودی ۳ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند (اطلاعات اساسی کشور: جمهوری یمن). جمهوری متحد یمن در سال ۱۹۹۰ میلادی با ادغام یمن شمالی و جنوبی شکل گرفت و علی عبدالله صالح تا سال ۲۰۱۱ در آن حکومت کرده است (نیاکویی، ۱۳۹۰: ۲۶۵). جامعه یمن طایفه‌ای و قبیله‌ای است. قبایل، ۸۵ درصد جمعیت یمن را تشکیل می‌دهند. در قلب این ساختار اجتماعی قبیله‌ای هویت اسلامی نیز وجود دارد. میل به خودمختاری سیاسی از قدرت مرکزی، از عناصر اصلی نظام قبیله‌ای یمن بوده، به این ترتیب ساختار سیاسی یمن متأثر از نقش قبایل است (نیکو، ۱۳۹۴: ۹۸).

در مورد یمن نیز، همانند بسیاری از کشورهای این منطقه آمار و ارقام دقیقی از جمعیت و درصد گروه‌های مذهبی ارائه نمی‌شود. به نحوی که در برخی آمار، جمعیت زیدی‌ها تا ۴۵ درصد نیز گفته شده است. در حقیقت نبود آزادی‌های مذهبی و ضدیت با شیعیان در این کشور باعث شده که بسیاری از شیعیان در ابراز هویت مذهبی خود محتاط باشند و سیاست دولت یمن نیز همواره بر این بوده است که جمعیت شیعیان این کشور را اندک جلوه دهد. آمار انجمن دین و زندگی اجتماعی مؤسسه «PEW» از شیعیان یمن - سال ۲۰۰۹ ارائه داده حاکی از آن است که شیعیان یمن بین ۳۵ تا ۴۲ درصد از جمعیت کل شیعیان یمن را شامل می‌شوند. همچنین مجمع جهانی اهل بیت (ع) در سال ۲۰۰۸ آمار شیعیان را ۴۲ درصد جمعیت کل این کشور اعلام کرد (www.ahlulbaytportal.com).

موقعیت استراتژیک این کشور از نظر اشراف بر شاخ آفریقا و امکان کنترل تحرکات این منطقه و نیز سواحل شرقی آفریقا از راه مرزهای دریایی جنوب و غرب یمن و نیز جزیره سوکاترا، اهمیت ویژه‌ای به این کشور داده است. به علاوه اشراف این کشور به تنگه باب المندب به آن اهمیت مضاعفی داده است. در واقع، درصد زیادی از رفت و آمدی که در کانال سوئز صورت می‌گیرد، از باب المندب هم عبور می‌کند. پس به همان میزان که کانال سوئز اهمیت دارد، باب المندب هم مهم است (درایسدل و بلیک، ۱۳۸۶: ۱۷۸).

۵. روند شکل‌گیری جنبش انصارالله

زیدی‌ها، که تا سال ۱۹۶۲ حکومت را در یمن در اختیار داشتند، نه تنها به انزوا کشانده شده‌اند، بلکه به شیوه‌های گوناگون از سوی دولت مردان سرکوب گردیده‌اند. دولت‌های حاکم بر یمن از سال ۱۹۶۲ تاکنون برای مقابله با شیعیان، بر اساس سه رویکرد عمل کرده‌اند:

۱. ایجاد ارتباط و مراوده با برخی طوایف و قبایل قدرتمند غیر شیعی؛

۲. توسعه نیروهای مسلح و توانمندسازی نهادهای امنیتی و نظامی دولتی؛

۳. کسب حمایت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای.

رویکردهای سه‌گانه مزبور در سه دهه اخیر، که علی عبدالله صالح ریاست جمهوری یمن را بر عهده داشته، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است (موسوی، ۱۳۸۸: ۵۴).

جنبش انصارالله در قالب یک تشکل اجتماعی و سیاسی سیر تاریخی خاصی را طی کرده تا در نهایت در شکل فعلی خود متبلور شده است. روند تاریخی شکل‌گیری مبانی عملی و فکری انصارالله را باید در تحولات دهه ۱۹۷۰ کشور یمن پیگیری کرد. در سال ۱۹۸۶م. یک موسسه فرهنگی در یمن شمالی به نام اتحادیه جوانان تأسیس شد که هدف آن آموزش جوانان زیدی بود. دو نفر از علمای برجسته زیدی یمن به نام‌های نجم‌الدین الموبیدی و بدرالدین الحوثی از برجسته‌ترین علمای این اتحادیه بودند. یمن شمالی و جنوبی در سال ۱۹۹۰م. متحد شدند و یمن واحدی تأسیس و قانون اساسی واحدی نیز تصویب گردید. طبق این قانون، بحث آزادی‌های سیاسی و پلورالیزم حداقل از لحاظ شعاری و البته تا حدودی هم از لحاظ عملی مطرح شد. پیرو این وقایع، اتحادیه جوانان که در یمن تأسیس شده بود، تحول یافت و بعد از اتحاد یمن، تشکل «حزب حق» از درون آن شکل گرفت. در واقع، یک جریان فرهنگی به نام اتحادیه جوانان به یک حزب سیاسی تبدیل شد که شیعیان زیدی یمن را نمایندگی می‌کرد (مددی، ۱۳۹۴: ش ۶۴).

مهم‌ترین عامل خارجی که محرک مهمی در به راه افتادن جریان‌ات ضد حکومتی شیعی در دهه ۹۰ میلادی شد، دخالت‌های وهابیون بود که توسط آمریکا و عربستان حمایت می‌شدند. یحیی الحوثی، برادر بزرگ عبدالملک الحوثی (رهبر فعلی انصارالله) در بیانیه‌ای اعلام کرده بود که جنبش الحوثی مقاومتی است در برابر هجوم فرقه سلفی به اصول شیعیان زیدیه (Sultan, 2010: 3).

در سال ۱۹۹۲، یک موسسه یا مجموعه فکری فرهنگی به نام «الشباب المومن» ایجاد شد که مؤسس آن یکی از فرزندان علامه بدرالدین به نام محمد بدرالدین الحوثی بود. در نهایت در سال

۱۹۹۷ از دو گروه موجود در مجموعه فرهنگی الشباب المومن، یکی از افراد شاخص به نام حسین بدرالدین الحوثی برگروه دیگر غلبه یافت و از آن به بعد، تشکیلات الشباب المومن با گرایش‌های واضح‌تر سیاسی و بارهبری حسین الحوثی به فعالیت خود ادامه داد. حسین الحوثی در سال ۱۹۹۳ به پارلمان یمن راه یافت و برای مقابله با گسترش وهابیت (که سبب بازگشت یمنی‌های سلفی و وهابی از افغانستان و ترس از تفکرات افراطی آنان تشدید شده بود) ضمن تشکیل حزب مذکور، فعالیت فرهنگی و سیاسی خود را مضاعف کرد. وی در سال ۲۰۰۴ از طرف نیروهای امنیتی دولت یمن به شهادت رسید (میر احمدی و ولی محمد، زمستان ۹۳ و بهار ۹۴: ۱۵۷-۱۵۸). پس از شهادت حسین الحوثی، علی عبدالله صالح تصور می‌کرد که بر منطقه صعده و شیعیان آن مسلط خواهد شد. بعد از شهادت سید حسین، فعالیت‌هایی با حمایت‌های پدر او یعنی علامه بدرالدین صورت گرفت و در نتیجه، یگان‌هایی از ارتش یمن در نوزدهم مارس ۲۰۰۵ برای بازداشت علامه بدرالدین به صعده حمله کردند. همین مسئله به درگیری‌هایی میان حوثی‌ها و نیروهای ارتش منجر شد که به جنگ دوم صعده مشهور است (مددی، ۱۳۹۴: ش ۶۴). جنبش انصار الله با آغاز انقلاب یمن در فوریه ۲۰۱۱، حمایت و پشتیبانی همه‌جانبه خود را از انقلابیون اعلام کرد و تمام‌قد در کنار آن‌ها ایستاد. این جنبش موفق شد با فعالیت‌های فرهنگی و عمرانی و خدمت‌رسانی به مردم در زمینه‌های مختلف، حوزه جغرافیایی خود را از صعده (شمال) تا پایتخت یمن (مرکز) گسترش دهد و به یک حرکت ملی و مردمی تأثیرگذار تبدیل شود (رسولی، ۱۳۹۴: ۲۱۵).

۶. اهداف و ویژگی‌های جنبش انصار الله

هر جنبشی به‌طور مشخص دارای اهداف و ویژگی‌های خاصی است. از این‌رو، جنبش انصار الله نیز در مقام جریان‌ی که نمایندگان شیعیان کشور یمن را بر عهده دارد از ویژگی‌ها و اهداف خاص خود بهره‌مند است و در عرصه سیاست و رزی بر آن‌ها تأکید می‌کند. مهم‌ترین اهداف جنبش انصار الله یمن را می‌توان در قالب پنج مؤلفه کلیدی مورد بازخوانی قرارداد:

۱. جنبش انصار الله خواستار عدم مداخله کشورهای بیگانه به‌ویژه عربستان و آمریکا در امور یمن و قطع دست آن‌ها در سرنوشت مردم یمن است.
۲. جنبش انصار الله خواستار الگوپذیری از انقلاب اسلامی ایران و اندیشه‌های ناب امام خمینی (ره) است.

۳. جنبش انصار الله خواستار دفاع از مسلمانین و مظلومین جهان از جمله فلسطینیان و مبارزه با رژیم‌های غاصب مانند رژیم صهیونیستی و دولت استکباری آمریکا است و در امتداد خط مقاومت قرار دارد.

۴. جنبش انصار الله خواستار تشکیل دولت شایسته‌سالار و کارآمد با مشارکت همه گروه‌ها و طیف‌های مختلف یمنی و حل مشکلات یمن در داخل کشور و به دست یمنی‌ها است.

۵. جنبش انصار الله خواستار ریشه‌کن کردن فساد اداری و دولتی، رشوه‌خواری و قطع دست افراد و جریان‌های منتفذ از ثروت‌های یمن است (مددی، ۱۳۹۴: ش ۶۴).

علاوه بر این، از مهم‌ترین اهداف جنبش انصار الله یمن می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. مشارکت فعال در سیر تحولات: با بررسی تاریخی وقایع جامعه شیعیان یمن و دقت نظر در تحولات اخیر این کشور می‌توان به این واقعیت نائل شد که شیعیان الحوثی، همواره در پیگیری آمال و اهداف خود اراده مستحکم داشتند و هیچ‌گاه حاضر نشدند از اهداف و برنامه‌های انقلابی خود کوتاه بیایند. در مجموع، شیعیان شمال یمن با درک وضعیت و شرایط جدید و گزینش ایدئولوژی انقلابی و پیوند آن با رهبری لایق خود، در این جنبش مشارکتی فعال داشتند.

۲. همراهی هواداران با جنبش انصار الله: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جنبش انصار الله یمن، همبستگی و حمایت کامل طرفداران از برنامه‌ها و آرمان‌های جنبش است. هواداران این جنبش به شکل خودجوش در دوران قبل از شهادت حسین الحوثی و امروز هم در دوران عبدالملک الحوثی در اجتماعات مذهبی و سیاسی شرکت می‌کنند و از جریان سیاسی خود پشتیبانی مالی و نظامی به عمل می‌آورند. از نمادهای وفاداری و حمایت مردم از جنبش انصار الله می‌توان به سردادن شعارهای گروه الحوثی پس از هر نماز و حمل کردن پرچم انصار الله و پلاکاردها اشاره کرد.

۳. بهره‌گیری از اصل شایسته‌سالاری در رهبری: جنبش الحوثی، در شکل‌گیری و مبارزات خود از رهبران فرهمند، شجاع، انقلابی و قدرتمندی در حوزه اجرایی برخوردار بوده است که از میان آن‌ها می‌توان به شهید حسین الحوثی اشاره کرد. وی هم در اندیشه و ایدئولوژی مبارزه و هم در تربیت، سازمان‌دهی و بسیج عمومی نیروهای خود رهبری فرهمند محسوب می‌شد. پیوند میان ایدئولوژی انقلابی و اعضای جنبش انصار الله با

تفکر و اندیشه رهبری آن شهید حسین الحوثی میسر شده است و از این طریق، رهبران جنبش موفق شده‌اند خواسته‌های مشترکی را طرح و با ترغیب شیعیان، تحرکاتی را در جنبش به وجود بیاورند و رهبری باکفایت خود را به درون جامعه شیعه یمن تزریق کنند (مددی، ۱۳۹۴: ش ۶۴).

۷. کارکرد و نقش جنبش انصارالله یمن

پیش از بحران فراگیر ۲۰۱۱، یمن شاهد اعتصاب‌های پی‌درپی نمایندگان اپوزیسیون در مجلس و تعدادی از فعالان در اعتراض به اصلاح قانون اساسی برای فراهم آوردن امکان نامزدی دوباره علی عبدالله صالح - رئیس‌جمهور یمن به مدت ۳۲ سال - بود. این اعتصاب‌های فراگیر مستقل از احزاب اپوزیسیون آغاز شد. آغاز بحران فراگیر یمن که با سقوط مبارک در مصر همراه شد، نگرانی‌های گسترده‌ای را در ریاض برانگیخت. سعودی‌ها که به تازگی بزرگ‌ترین متحد خاورمیانه‌ای خود را ازدست‌داده بودند، با خطر دیگری در جنوب (یمن) و نیز خطر گسترش این دگرگونی‌ها به خاک خود روبرو شدند. اما پس از غلبه بر اعتراضات داخلی و بحران بحرین، عربستان بازم در چارچوب شورای همکاری، ابتکاری برای حل و فصل بحران گسترده یمن مطرح کرد (ناسخ، ۱۳۸۸: ۴۵). با اوج گرفتن بیداری اسلامی در کشورهای عربی از سال ۲۰۱۱، یمن نیز شاهد انقلابی مردمی بود. در پی سرنگونی حکومت‌های دیکتاتوری در تونس و مصر، جوانان یمنی به تظاهرات علیه دیکتاتوری عبدالله صالح که از ۳۳ سال پیش از این قدرت را تصاحب کرده بود، ترغیب شدند. جوانان یمنی که نبض انقلاب را در دست داشتند، نه تنها خواستار فروپاشی رژیم دیکتاتوری بودند، بلکه رژیم آل سعود و آمریکا را نیز شریک اقدامات وی می‌دانستند (خاکی راوندی، ۱۳۹۱: ۲۳۱).

با آغاز قیام‌های مردمی در یمن، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به‌ویژه عربستان در ابتدا بر حفظ صالح تأکید داشتند، به‌ویژه اینکه منافع عربستان درگرو ثبات در یمن است. با اوج‌گیری قیام مردمی، در نهایت این شورا با چراغ سبز به آمریکا، کنار رفتن آرام صالح از صحنه در را در پیش گرفت. این طرح دو هدف داشت، نخست آنکه، دولتی همسو با خواست شورا به‌ویژه عربستان در یمن تشکیل شود و دوم آنکه، صالح خروجی آبرومندانه از قدرت داشته باشد تا سرنگونی وی، الگویی برای سایر ملت‌های منطقه نگردد و حتی با مدل‌سازی از یمن، تحولات

سایر کشورهای عربی را نیز مدیریت کنند. این ابتکار که در ۱۶ آوریل ۲۰۱۱ از سوی وزرای خارجه شورای همکاری در ریاض اعلام شد، متضمن انتقال اختیارات صالح به معاون وی و تشکیل دولت از سوی اپوزیسیون یمن در یک فرآیند زمانی بود. طرح اولیه شورای همکاری خلیج فارس متناسب با خواست عبدالله صالح تنظیم شده بود. هدف این بود که رئیس‌جمهوری یمن تا پایان سال ۲۰۱۳ بدون برخورداری از قدرت اجرایی در رأس قدرت باقی بماند. این طرح که دربرگیرنده خواست انقلابیون نبود با شکست مواجه شد. سرانجام در جریان نشست‌های متعدد نمایندگان اپوزیسیون و وزرای امور خارجه شورای همکاری خلیج فارس در ریاض موافقت شد صالح ظرف مدت یک ماه قدرت را به معاون خود - عبدربه منصور الهادی - واگذار کند (بخشی، ۱۳۹۰: ۱).

بنابراین، حوثی‌ها که طی ۱۰ سال گذشته با بیشترین حجم ارتش یمن در دوران صالح مواجه بودند و تحت بیشترین فشار، محرومیت و تحریم اقتصادی و هم چنین حملات گروه‌های تکفیری قرار داشتند، بلافاصله پس از شروع خیزش جوانان در فوریه ۲۰۱۱، پیوستن خود را به انقلابیون در راستای سرنگونی رژیم اعلام کردند. آن‌ها هم چنین درصدد بودند با مشارکت در این فرآیند، از انزوای تحمیل شده خارج و با شکستن تابوی معرفی خود به عنوان گروه شورشی، از حمایت‌های مردمی برخوردار شده‌اند. علاوه بر این‌ها نمی‌خواستند به نیروهای دیگر اجازه بدهند انحصار ترتیبات پس از رژیم صالح را به دست بگیرند (Phillips, 2012: 37).

در کنار ابعاد ایدئولوژیک، تحولات چند سال اخیر در منطقه (به ویژه در عراق و هم‌اکنون در یمن) توزیع قدرت در سطح منطقه را به سود ایران دگرگون کرده است و عربستان که با تضعیف یا سقوط دوستان خود در منطقه به سود ایران روبه‌رو شده است (موازنه تهدید)؛ نوعی موازنه جویی که از سال ۲۰۰۶ شدت گرفته، اما به جای تضعیف حزب‌الله و یا خروج متحدان ایران از قدرت در عراق و سوریه، با تضعیف موقعیت متحدان عربستان همراه بوده است. به همین دلیل این موازنه جویی از سطح منطقه فراتر رفته و اثرگذاری بر مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب و... را نیز هدف قرار داده، تاکنون به این مقصود نیز نرسیده است (دست‌کم در مسئله هسته‌ای). تداوم این موازنه جویی از سوی اعراب محافظه‌کار در تلاقی با تحولات داخلی یمن می‌تواند به سناریوهایی که بدترین حالت آن ادامه درگیرهای داخلی و یا حتی تجزیه این کشور است، بینجامد (علیخانی، ۱۳۹۴: ۴۶).

به‌رغم دگرگونی‌هایی که در دو فضای داخلی و خارجی در دو دهه اخیر رخ داد، رژیم صالح هم چنان با همان ابزارهای پیشین به سلطه حکمرانی خود ادامه می‌داد و در اندیشه ایجاد دگرگونی‌های متناسب با خواست ملت یمن نبود. این ایستایی و رکود سیاسی زمانی وضعیتی بغرنج یافت که با اوضاع رقت‌بار اقتصادی همراه شد تا اعتراض یمنی‌ها را نه تنها به ایستایی سیاسی بلکه هم‌چنین به رکود و فشار اقتصادی و معیشتی برانگیزد. سی سال حکمرانی صالح نه تنها رشد و شکوفایی مورد انتظار یمنی‌ها را به ارمغان نیاورد، بلکه یمن را به دولت ورشکسته‌ای تبدیل کرد که با سه چالش امنیتی عمده در شمال (حوثی‌ها)، جنوب (تجزیه‌طلبان) و نیز فعالیت‌های فزاینده القاعده در سراسر کشور مواجه است (احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۵۱). با توجه به این احتمالات و تحت تأثیر ضعف و ناکارآمدی دولت شبه ورشکسته یمن در رفع چالش‌های کنونی، توجه جامعه جهانی به‌خصوص از نیمه دوم سال ۲۰۰۹ به یمن افزایش یافت. این امر نشان‌دهنده جدی بودن تهدیدات داخلی یمن برای امنیت فرامرزی آن و آگاهی قدرت‌های منطقه‌ای به این مسئله می‌باشد. جان برنان مشاور باراک اوباما در مسائل مبارزه با تروریسم می‌گوید «ما از همان روز اول این دولت بر یمن تمرکز کرده‌ایم» (Dwyer, 2010 : 29).

بدین ترتیب جامعه جهانی که باهدف رفع خطری نوین در عرصه فعالیت‌های تروریستی به کمک یمن شتافته است، تحت تأثیر تجربه‌های افغانستان و عراق راهکارهای نوینی برای مقابله با این چالش مطرح می‌سازد؛ راهکارهایی مبنی بر تقویت اقتصاد ورشکسته یمن جهت رفع معضلاتی چون بیکاری و ناامیدی به آینده بهتر، کمک به جامعه یمنی در گذار به آزادی‌های دموکراتیک از طریق فشار بر حکومت صنعا جهت بازگشت به قانون اساسی مترقی پس از وحدت و همکاری در رفع سایر چالش‌های پیش روی یمن. به گفته عبدالله الفقیه، استاد علوم سیاسی دانشگاه صنعا، جنگ‌های صعده، وضعیت اقتصادی و معیشتی نامناسب و فساد نخبگان حاکم در بعد داخلی، و ضعف دولت یمن در جنگ علیه تروریسم و ناتوانی آن در مبارزه با فساد و پیشبرد توسعه پایدار در بعد خارجی، موجب نگرانی کشورهای منطقه‌ای و ورا منطقه‌ای در مورد تأثیر این مسائل بر امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی شده است (الفقیه، الف: ۲۰۱۰: ۵۲). لذا با توجه به یمن و تلاش برای رفع مسائل داخلی آن که بالطبع بازتاب‌هایی در خارج از مرزهای این کشور داشته و دارد، به‌خصوص در یک سال اخیر گسترش یافته است (صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹: ش ۵۶).

بر این اساس، کنفرانسی در ۲۷ ژانویه ۲۰۱۰ در لندن برای مقابله با افراط‌گرایی در یمن برگزار شد. این کنفرانس که دعوت‌گوردن براون و حمایت واشنگتن و با شرکت ۲۴ کشور از جمله اعضا شورای همکاری خلیج فارس و گروه هشت کشور صنعتی تشکیل شد، بر اهدافی چون هماهنگ‌سازی فعالیت‌های کمک‌دهندگان برای توسعه اقتصادی یمن و شناسایی نیازمندی‌های حکومت این کشور در زمینه مبارزه با تروریسم متمرکز شد (همان، ش ۵۶).

این کنفرانس در نهایت ۵ راهکار برای تعامل با مسائل یمن مطرح ساخت:

۱. راهکار شورای همکاری خلیج فارس: بر مبنای آن دبیر کل شورا از اعضای آن و سایر کشورهای کمک‌دهنده به یمن برای تشکیل کنفرانس در ریاض دعوت خواهد کرد تا به «تحلیل موانع کمک فعال به یمن» بپردازد؛
۲. تشکیل مجموعه «دوستان یمن» که به مسائل گسترده‌ای می‌پردازد و دو گروه کاری به آن کمک می‌کنند. گروه نخست در زمینه اقتصاد و حکمرانی و گروه دوم در ارتباط با عدالت و اجرای قانون فعالیت می‌کنند. هدف آن تعیین «راه‌های اجرایی کردن نقشه اصلاحات ملی یمن» می‌باشد.
۳. راهکار قطعنامه ۱۲۷۶ سازمان ملل متحد (۱۹۹۹) برای تحریم افراد و گروه‌های مرتبط با القاعده: کشورهای شرکت‌کننده متعهد شدند که برای اجرایی کردن احکام صادره از کمیته مجازات که بر اساس این قطعنامه تأسیس شده است، کار کنند؛
۴. پشتیبانی از حکومت یمن در مبارزه با القاعده و تمامی اشکال تروریسم؛
۵. راهکار صندوق بین‌المللی پول: دولت یمن در این کنفرانس به تداوم اصلاحات موردنظر صندوق متعهد شد (الفقیه، ۲۰۱۰: ۵۴).

براین اساس، قانون اساسی یمن می‌گوید که یمن متحد دربرگیرنده یمن فراگیر است و یک جمهوری یمنی را تشکیل می‌دهد که دارای حاکمیت مستقل است. هیچ بخشی از این جمهوری یمن به هیچ کشوری واگذار نخواهد شد و چشم‌پوشی از هیچ قسمتی آن امکانی پذیر نیست. لذا یمن مصمم است تا استان‌های از دست‌رفته خود در چارچوب پیمان طائف در سال ۱۹۳۴ را از عربستان سعودی باز پس بگیرد. در نتیجه عربستان سعودی با تحمیل جنگ و ایجاد ناامنی می‌خواهد ضمن تضعیف دولت و انحراف افکار عمومی یمن و جهان نسبت به مسائل داخلی یمن با ترویج شیعه‌هراسی (حوثی‌هراسی) و ترویج تجزیه‌طلبی همچنان استان‌های جیزان،

عسیر و نجران را در اختیار خود داشته باشد (Al-Hajjri, 2007: 10-45).

نتیجه گیری

جنبش انصار الله یمن (حوثی‌ها) جنبشی اسلامی- شیعی است. بر مبنای نظریه سازه انگاری سه عامل هویتی و ایدئولوژیک، ساختاری و فراملی در شکل‌گیری این جنبش نقش داشته‌اند. در واقع این جنبش موضع‌گیری شیعیان زیدیه یمن در برابر اقدامات دولت سکولار یمن، محدودیت‌های سیاسی شیعیان، وضعیت و خیم اقتصادی حاکم بر مناطق شیعه‌نشین یمن از یکسو و نفوذ روزافزون ایدئولوژی وهابیت (به‌عنوان غیریت شیعیان) و نفوذ سعودی و غرب در یمن از سوی دیگر محسوب می‌شود. براین اساس اهداف جنبش انصار الله یمن در عرصه داخلی بردو محور قرار می‌گیرد: محور نخست، افزایش قدرت شیعیان زیدی در مناسبات کشور از طریق توجه به ارزش‌های واقعی سیاسی و اجتماعی اسلام و پایان یافتن دیکتاتوری و ظلم دولت بر زیدی‌ها می‌باشد. محور دوم بر نزدیک ساختن جنبش به جنبش‌های شیعی منطقه و غیریت سازی ایدئولوژیک و هویتی قرار دارد. در همین ارتباط، اهداف خارجی انصار الله، برقراری ارتباط با جنبش‌های مقاومت ضد اسرائیلی در فلسطین و لبنان، استقلال یمن از سیطره آمریکا و عربستان سعودی و قطع ارتباط با آمریکا است. براین مبنای قدرت گرفتن جنبش انصار الله در عرصه دولت می‌تواند به این اهداف خود نایل آید که البته برای رسیدن به این اهداف به حمایت‌های منطقه‌ای چون جمهوری اسلامی ایران نیازمند است. همچنین بنابر آنچه گذشت می‌توان گفت ایدئولوژی و دین از عناصر مهم هویتی جوامع خاورمیانه به شمار می‌روند و در منطقه خاورمیانه ارتباط مذهب و سیاست بیشتر از نقاط دیگر مشاهده می‌شود. یکی از مهم‌ترین عوامل سازنده سیاست داخلی و خارجی کشورهای منطقه هویت و ایدئولوژی دینی و فرهنگی است.

فهرست منابع

الف- فارسی

۱. آقا بخش‌سی، علی اکبر و افشاری راد، مینو (۱۳۸۷) فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار، چاپ دوم.
۲. آقایی، سید داوود (۱۳۸۱)، ایران و سازمان‌های بین‌المللی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳. احمدیان، حسن (۱۳۸۹)، نقش عربستان در توسعه همکاری‌های منطقه‌ای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۴. امیر عبداللهیان، حسین (۱۳۹۰)، "ناکامی طرح خاورمیانه بزرگ و خیزش بیداری اسلامی در جهان عرب: مطالعه موردی بحرین"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره دوم.
۵. انصاری، حمید (۱۳۷۶)، حدیث بیداری (نگاهی به زندگی‌نامه آرمانی - علمی و سیاسی امام خمینی)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم.
۶. خضیری احمد، حسن (۱۳۸۰)، دولت زیدیه در یمن، ترجمه احمد بادکوبه، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۷. درایسدل، آلاسدايرو جرالدا اچ بلیک (۱۳۸۶)، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر (مهاجرانی)، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۸. ذوالفقاری، امیرعلی (۱۳۹۳)، تحولات یمن؛ ریشه‌ها و روندها، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس، مهر.
۹. رسولی، معین (۱۳۹۴)، انقلاب یمن، تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور.
۱۰. سمیعی، علیرضا و فتحی، عبدالرضا (۱۳۹۲)، "بررسی تأثیر مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر جنبش بیداری اسلامی خاورمیانه (با تأکید بر رویکرد سازه‌انگاری)"، مطالعات جهان اسلام، سال دوم، شماره ۱.
۱۱. صادقی، حسین و احمدیان، حسن (۱۳۸۹)، "دگرگونی جایگاه منطقه‌ای یمن: امکانات و چالش‌ها"، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۶.

۱۲. عسگرخانی، ابومحمد و منصور، جهانشیر (۱۳۸۹)، "همکاری و منازعه در روابط بین‌الملل: نگاهی به نظریه سازه‌انگاری ونت"، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۳.
۱۳. عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر، چاپ ۳۸.
۱۴. علیخانی، مهدی (۱۳۹۴/۴/۱۰)، "اهمیت ژئوپلیتیکی و هویتی یمن"، خبرگزاری رشد.
۱۵. کوئن، بروس (۱۳۷۸)، مبانی جامعه‌شناسی، غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت، چاپ دهم.
۱۶. مددی، جواد (۱۳۹۴)، "الزامات رویارویی با ائتلاف سعودی"، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال شانزدهم، شماره ۲، تابستان.
۱۷. مرادی، مجید (۱۳۸۴)، جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران: باشگاه اندیشه.
۱۸. مسعودنیا، حسین و توسلی، حسین (۱۳۹۱)، "بازخوانی جنبش شیعی الحوثی در یمن"، مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۳.
۱۹. مشهدی تقی، مرتضی (۱۳۹۴)، جنبش‌ها و ضدجنبش‌ها، پژوهش پشتیبان، تهران، موسسه اندیشه‌سازان نور
۲۰. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱)، درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۲۱. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، "گفتگو تمدن‌ها از منظر سازه‌انگاری"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۳، بهار.
۲۲. مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۱)، "هویت‌یابی شیعیان و ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه"، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره ۱.
۲۳. مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۴)، "سیاست‌گذاری راهبردی در مدیریت بحران امنیتی یمن"، فصلنامه سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره ۳.
۲۴. میراحمدی، منصور و احمدوند، ولی محمد (زمستان ۹۳ و بهار ۹۴)، "هویت و مبانی فکری جنبش انصارالله یمن"، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۲ و ۳.
۲۵. موسوی، سید محمدرضا (۱۳۸۸)، "یمن از جنگ داخلی تا بحران منطقه‌ای"، باشگاه اندیشه، تهران.
۲۶. ناسخ، حمیدرضا (۱۳۸۸)، "گسترش بحران یمن با دخالت نظامی عربستان و اردن"، روزنامه خراسان.

۲۷. نجفی، مهدی (۱۳۸۳)، "جایگاه ایران از نظر تولید علم در جهان (کمبود ساختار پژوهشی مستقل در کشور)"، روزنامه شرق، ۱۰ مهر.
۲۸. نیاکویی، سیدامیر (۱۳۹۰)، "تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا؛ ریشه‌ها و پیامدهای متفاوت"، فصلنامه روابط خارجی، سال ۳، شماره ۴۰.
۲۹. نیکو، حمید (۱۳۹۴)، "بیداری اسلامی و چشم‌انداز اسلام‌گرای در یمن"، فصلنامه ۱۵ خرداد، سال دهم، شماره ۳۳.
۳۰. واعظی، محمود (۱۳۹۰)، بحران‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه، نظریه‌ها و روندها، تهران، دفتر مطالعات سیاسی.
۳۱. هادیان، ناصر (۱۳۸۲)، "سازه‌نگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی"، فصلنامه سیاست خارجی، سال هفدهم، شماره ۴، زمستان.
۳۲. هاشمی نسب، سعید (۱۳۸۸)، بررسی تحولات اخیر یمن، تهران: پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۲.
۳۳. هینه بوش، ریموند (۱۳۸۶)، "سیاست هویت در روابط بین‌الملل"، ترجمه گل محمدی، علی، در: کتاب روابط بین‌المللی خاورمیانه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.

ب- منابع عربی

۱. الفقیه الف، عبدالله (۲۰۱۰)، "التکتل علی قاعده الایمقراطیه فی الجمهوریه الیمنیه ۱۹۹۰-۲۰۰۹، المحاولات، المعوقات، و الشروط المطلوب"، المستقبل العربی، العدد لشهر آذار.

ج- منابع انگلیسی

1. Al-Hajjri, Ibrahim. (2007), "The New Middle East Security Threat: Case of Yemen and the Gcc", Available at: www.handle.dtic.mil/100.2/ADA469931.
2. Altamini, Naser (2014), "Primary Commodity Exports and Civil war", Journal Conflict Resolution: Vol.49, No.4, P483-507

3. Blumer, H. (1955), "Collective Behavior" in: Lee, A. M., ed. Principles of Sociology. New York: Barnes & Noble.
4. Blumi, Isa. (2011), Chaos in Yemon: Societal Collapse and the New Authoritarianism, Routledge.
5. Dwycr, David (2010), Experts: Yemen Near-Perfect Haven for Terrorists, ABC News.
6. Hegazy, Walid .s, (2002), Contemporary Islamic finance: from Socio-economic Idealism to Pure Legalism'Chicago journal of international law' volume 7'2 novamber.
7. Lynch, M. (2012). The Arab Uprising: The Unfinished Revolutions of the New Middle East, New York: Public Affairs
8. Phillips Sarah (2012), Yemen and the Politice of Permanent Crises, New York: Routledge.
9. Sharqieh, Ibrahim, (2013) "ALastingPeace ؟Yemen sngongJourney to National Reconciliation", Available at: www.brookings.edu/research/papers.
10. Touraine, A. (1985), "New Social Movements" in: Social Research, N:52, pp817-868.
11. Weber. C. (2001). International Relation Theory. London and New York: Rutledge
12. Wendt. A. (1994) Collective Identity Formation and Internation state American, Political Science Review 76-88.
13. Wendt .A. (1999) Social theory of International Politics. Cambridge: Cambridge University press.